

توسعه فردی و تحول سازمانی

ارایه الگوی مطلوب و کارآمد تنظیم تعاملات نوآورانه و مالی سازمان‌ها در بازار سرمایه بر پایه قراردادهای با رویکرد ثبات امنیت اقتصادی

عماد مهران پور^۱، نادیه مهران پور^۲، محمدرضا باقری^۳، حسین امیری^۴، محمد نصر اصفهانی^۵

شیوه استناددهی: مهران پور، عماد، مهران پور، نادیه، باقری، محمدرضا، امیری، حسین، و اصفهانی، محمد نصر. (۱۴۰۳). ارایه الگوی مطلوب و کارآمد تنظیم تعاملات نوآورانه و مالی سازمان‌ها در بازار سرمایه بر پایه قراردادهای با رویکرد ثبات امنیت اقتصادی. توسعه فردی و تحول سازمانی، ۲(۲)، ۱۶۱-۱۴۲.

۱. کارشناسی ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی بین الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. دانشیار، گروه آموزشی اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه آموزشی اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: mrm.bagheri9204@gmail.com

چکیده

تاریخ چاپ: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۱ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ ارسال: ۱ شهریور ۱۴۰۳

هدف این پژوهش، طراحی الگوی مطلوب و کارآمد برای تنظیم تعاملات نوآورانه و مالی سازمان‌ها در بازار سرمایه با تکیه بر قراردادهای با رویکرد تقویت ثبات و امنیت اقتصادی است. در این تحقیق از روش ترکیبی استفاده شده است. در بخش کیفی، از روش فراترکیب برای شناسایی عوامل موثر بر قراردادهای بازار سرمایه و از تحلیل محتوا برای استخراج مؤلفه‌های امنیت اقتصادی بهره گرفته شد. سپس با استفاده از روش AHP فازی و مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM)، عوامل تأثیرگذار اولویت‌بندی و سطح‌بندی شدند. در بخش کمی نیز از معادلات ساختاری و نرم‌افزار SMART-PLS برای برازش مدل استفاده شد. جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان باتجربه در حوزه بازار سرمایه و اقتصاد بوده است. نتایج تحلیل نشان داد که عوامل حاکمیتی و محیط نهادی بیشترین تأثیر را بر تنظیم قراردادهای بازار سرمایه و ارتقاء امنیت اقتصادی دارند. عوامل سازمانی، اقتصادی و نوآورانه نیز ضمن تعامل متقابل، تحت تأثیر عوامل حاکمیتی هستند و بر عوامل اجتماعی اثرگذارند. از طرفی، مولفه‌هایی مانند عمق مالی، استقلال بانک مرکزی و نظارت‌های بانکی در بهبود امنیت اقتصادی مؤثر شناخته شدند. ضریب مسیر بین قراردادهای بازار سرمایه و امنیت اقتصادی برابر با ۰.۸۵۱ و آزمون t برابر با ۴۲.۶۷۴ بود که بیانگر رابطه قوی و معنادار میان این دو است. الگوی نهایی پژوهش نشان می‌دهد که تنظیم بهینه قراردادهای بازار سرمایه و توجه به شاخص‌های نهادی و اقتصادی، می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء امنیت اقتصادی کشور ایفا کند. در این راستا، تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی و ساختار نهادی باید همسو با اهداف توسعه مالی و شفافیت بازار سرمایه بازطراحی شوند.

کلیدواژگان: امنیت اقتصادی، قرارداد، بازار سرمایه، آزادی اراده قراردادی، عوامل نهادی، توسعه مالی



© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Presenting an Optimal and Efficient Model for Regulating Innovative and Financial Interactions of Organizations in the Capital Market Based on Contracts with an Economic Security Stability Approach

Emad Mehranpour¹, Nadiieh Mehranpou², Mohammadreza Bagheri^{1*}, Hossein Amiri³, Mohammad Nasr Esfahani⁴

1. Master of Islamic Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Master of Business Administration, International Marketing, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3. Associate Professor, Department of Economics and Islamic Banking, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Economics and Islamic Banking, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: mrm.bagheri9204@gmail.com

How to cite: Mohammadi Zaer, S., Anjomshoa, Z., Salajegheh, S., Nazari, A., Pour Rashidi, R. (2024). Presenting an Optimal and Efficient Model for Regulating Innovative and Financial Interactions of Organizations in the Capital Market Based on Contracts with an Economic Security Stability Approach. *Personal Development and Organizational Transformation*, 2(2), 142-161

Abstract

This study aims to design an optimal and efficient model for regulating innovative and financial interactions of organizations in the capital market through contracts, with an emphasis on enhancing economic security. A mixed-methods approach was employed. In the qualitative phase, the meta-synthesis method was used to identify key variables affecting capital market contracts, and content analysis was applied to extract economic security components. Then, the fuzzy AHP technique and interpretive structural modeling (ISM) were utilized to prioritize and level these variables. In the quantitative phase, structural equation modeling (SEM) using SMART-PLS software was applied to test and validate the proposed model. The statistical population included experienced managers and experts in capital markets and economic affairs. The findings revealed that governance-related and institutional environment factors have the most significant impact on contract structuring and economic security development. Organizational, economic, and innovative factors also interact mutually and are influenced by governance elements while affecting social factors. Moreover, variables such as financial depth, central bank independence, and regulatory oversight significantly influence economic security. The path coefficient between capital market contracts and economic security was 0.851 with a t-value of 42.674, indicating a strong and significant relationship. The final model suggests that optimizing contract regulations in the capital market, alongside enhancing institutional and economic indicators, plays a crucial role in strengthening national economic security. Therefore, policymaking and institutional restructuring must align with financial development goals and capital market transparency.

Keywords: *Economic security, contracts, capital market, freedom of contract, institutional factors, financial development*

Submit Date: 03 May 2024

Revise Date: 31 July 2024

Accept Date: 11 August 2024

Publish Date: 22 August 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، گسترش پیچیدگی‌های بازارهای مالی، افزایش تعاملات بین‌المللی، و تحولات فناورانه، ضرورت بازاندیشی در نحوه تنظیم تعاملات مالی و قراردادی را بیش از پیش نمایان ساخته است. در این میان، بازار سرمایه به عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان نظام مالی کشور، نقشی کلیدی در تجهیز منابع، انتقال سرمایه، و توزیع بهینه ریسک ایفا می‌نماید. با توجه به جایگاه حساس بازار سرمایه در پایداری اقتصاد ملی، یکی از چالش‌های بنیادین در این حوزه، طراحی و اجرای الگوهای قراردادی کارآمدی است که ضمن رعایت اصول حقوقی و اقتصادی، بتوانند در راستای حفظ و ارتقای امنیت اقتصادی نیز مؤثر باشند. تأکید بر امنیت اقتصادی به منزله یکی از ابعاد نوین امنیت ملی، موجب شده تا تعاملات حقوقی در بازارهای مالی با نگاهی ساختاری و پایدار بررسی گردد (Hamedi & Farhanian, 2015).

در فضای حقوقی و اقتصادی ایران، قراردادها از نقش صرفاً فنی و ابزار محور فراتر رفته‌اند و به ابزارهایی کلیدی در تحقق اهداف کلان اقتصادی و ثبات امنیتی تبدیل شده‌اند. این امر به‌ویژه در سایه نوسانات اقتصادی، تحریم‌ها، و شوک‌های بیرونی، اهمیت بیشتری یافته است. بنابراین، تنظیم دقیق و علمی قراردادهای مالی با رعایت ملاحظات امنیت اقتصادی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. مطالعات اخیر بر ضرورت استفاده از نظریه‌های کلان مالی مانند تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE) به منظور تحلیل شرایط بازارهای سرمایه و سیاست‌گذاری در جهت پایداری تأکید کرده‌اند (Manzoor & Taghipour, 2015).

از منظر حقوقی، مفهوم قرارداد همواره میان دو نگرش آزادی اراده و نظم عمومی در نوسان بوده است. در حالی که نظریه آزادی قراردادی مبتنی بر اختیار طرفین در شکل‌دهی روابط حقوقی خود است، در عصر کنونی، با پیچیده‌تر شدن روابط اقتصادی و ظهور منافع جمعی و امنیتی، این آزادی تحت محدودیت‌هایی قرار گرفته است (Hayati, 2018). به‌ویژه در بازار سرمایه، که منافع عمومی و ریسک‌های سیستمی در آن برجسته‌اند، تنظیم‌گری دقیق قراردادها از سوی نهادهای نظارتی امری حیاتی تلقی می‌شود. در این چارچوب، تحلیل ابعاد حقوقی قراردادها از منظر اصول حقوقی ایران و مقایسه با نظام‌های حقوقی دیگر نیز می‌تواند به غنای نظری مدل‌ها بیافزاید (Sharifi et al., 2024). همزمان با تحولات جهانی در حوزه مالی، ظهور فناوری‌های نوین مانند فین‌تک و هوش مصنوعی نیز تغییرات بنیادینی در مدل‌های قراردادی و تعاملات بازار سرمایه ایجاد کرده است. نوآوری‌های مالی و دیجیتال‌سازی فرآیندهای سرمایه‌گذاری، فرصت‌های جدیدی برای تسهیل تعاملات و ارتقای شفافیت فراهم ساخته‌اند. در عین حال، این تغییرات مستلزم طراحی ساختارهای نظارتی و قراردادی نوینی است که با اقتضات فناورانه و ریسک‌های نوپدید همخوانی داشته باشد (Wang et al., 2022). توسعه نظام‌های هوشمند نظارت (SupTech) و کاربرد آن در نظارت بر بازار سرمایه نیز گامی در همین راستا است (Naghdi & Hamidi, 2024).

در ادبیات اقتصادی، توسعه مالی پایدار و فراگیر به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی شناخته می‌شود. شواهد تجربی حاکی از آن است که توسعه ابزارهای نوآورانه مالی و گسترش شمول مالی می‌تواند از طریق تسهیل تأمین مالی و افزایش سرمایه‌گذاری، به رشد اقتصادی منجر شود (Domeher et al., 2022). با این حال، مطالعاتی نیز نشان داده‌اند که در شرایط عدم تقارن اطلاعات، نابرابری در دسترسی به اطلاعات قراردادی می‌تواند کارایی بازار را تحت تأثیر قرار داده و موجب افزایش ریسک و کاهش اعتماد شود (Niinimäki, 2018). این مسأله در بازار سرمایه ایران که با ضعف شفافیت و پیچیدگی‌های نهادی مواجه است، نمود بیشتری دارد (Bayat et al., 2017).

از سوی دیگر، طراحی الگوی قراردادهای بازار سرمایه باید متکی بر تحلیل رفتار سرمایه‌گذاران و فعالان بازار نیز باشد. فهم دقیق از منطق تصمیم‌گیری کنشگران اقتصادی در انتخاب ابزارهای مالی، پیش‌نیازی برای تدوین اصول قراردادی کارآمد به شمار می‌آید. در این زمینه،

بهره‌گیری از مدل‌های رفتاری و تلفیق آن با تحلیل‌های سیاست‌گذاری، می‌تواند در ارائه الگوهای پویا مؤثر واقع شود (Badri et al., 2025).

تحلیل‌های کلان نیز نشان داده‌اند که رابطه معناداری میان توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشورها، به‌ویژه در جوامعی با ساختار اطلاعاتی ناقص، وجود دارد (Sameti et al., 2012). بنابراین، طراحی الگوی قراردادی بازار سرمایه باید در تعامل با سیاست‌های کلان اقتصادی و حقوقی انجام شود. به‌ویژه در کشورهایی چون ایران، که اقتصاد آن در حال گذار از ساختارهای سنتی به ساختارهای مبتنی بر بازار است، نقش قراردادهای بازار سرمایه در هدایت منابع و تثبیت امنیت اقتصادی دوچندان اهمیت می‌یابد.

همچنین، نهادهای مقررات‌گذار باید علاوه بر نظارت‌های سنتی، با استفاده از چارچوب‌های هوشمند، به تنظیم‌گری سازگار با نوآوری‌های فناورانه و تغییرات ساختاری بپردازند. یکی از ابزارهای مؤثر در این مسیر، بهره‌گیری از رویکردهای مبتنی بر سیاست‌گذاری *earmarked* و تلفیق آن با مدل‌های ارزیابی اثربخشی است (Xu et al., 2021). این امر نیازمند طراحی چارچوب‌های حقوقی انعطاف‌پذیر، قابل انطباق و پاسخگو به تغییرات محیطی بازار است.

همچنین، پژوهش‌ها در حوزه استراتژی‌های کارآفرینانه و نوآوری در قراردادهای سازمانی حاکی از آن است که بکارگیری اصول نوآورانه در تنظیم قراردادها می‌تواند مزیت رقابتی پایداری برای سازمان‌ها ایجاد کند و به خلق ثروت و بهره‌وری بالاتر منجر شود (Asadi Si Sakht et al., 2017). نقش فرهنگ سازمانی و ارزش‌های نهادی نیز در تحقق این هدف غیرقابل انکار است. هنگامی که سازمان‌ها با رویکردی نوین به طراحی روابط حقوقی خود می‌پردازند، احتمال بیشتری برای تطابق با الزامات محیطی و کاهش ریسک‌های ساختاری خواهند داشت (Shokrollahi et al., 2024b).

در این میان، اهمیت سرمایه انسانی و فرهنگ کارآفرینی به عنوان عوامل نرم و زیربنایی در توسعه و پایداری قراردادهای کارآمد نیز در ادبیات اخیر مورد تأکید قرار گرفته است. پیوند میان اصول نوآورانه، ارزش‌های فرهنگی و توانمندی‌های فناورانه می‌تواند مسیر تحول قراردادهای بازار سرمایه را هموار سازد (Shokrollahi et al., 2024a).

در نهایت، موفقیت در طراحی و اجرای الگوی مطلوب قراردادهای بازار سرمایه، مستلزم هماهنگی میان ابعاد مختلف حقوقی، اقتصادی، فناورانه و نهادی است. استفاده از مدل‌های مفهومی چندبعدی که بتوانند تعاملات میان این عوامل را در نظر بگیرند، راهگشای سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی در مسیر ارتقاء امنیت اقتصادی خواهد بود. از این منظر، تجارب ملی و بین‌المللی، از جمله مدل مفهومی قراردادهای آتی در بازار سرمایه ایران (Mesbahi Moghadam et al., 2010) و همچنین الگوهای نظارتی بورس و بازارهای جهانی، می‌توانند چارچوبی برای طراحی سیاست‌های بومی فراهم آورند.

بدین ترتیب، این مقاله تلاش دارد با تکیه بر ادبیات میان‌رشته‌ای حقوق، اقتصاد، و نوآوری فناورانه، الگویی برای تنظیم قراردادهای بازار سرمایه ارائه دهد که از یک‌سو پاسخگوی الزامات نهادی و حقوقی باشد و از سوی دیگر در راستای تثبیت و ارتقاء امنیت اقتصادی کشور ایفای نقش نماید.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع تحقیقات بنیادی است و از حیث روش اجرا از نوع تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی قرار می‌گیرد و از روش اکتشافی و در قسمت کیفی از روش فراترکیب و تحلیل محتوا جهت انجام تحقیق استفاده شده است.

در پژوهش حاضر مراحل روش انجام تحقیق طبق جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱. مراحل روش انجام تحقیق

مراحل	اقدامات	روش
گام اول	تعیین و شناسایی ابعاد و مولفه‌های تاثیرگذار بر قراردادهای مالی بازار سرمایه	با استفاده از روش فرا ترکیب
گام دوم	تعیین و شناسایی ابعاد و مولفه‌های حفظ امنیت و توسعه اقتصادی	با استفاده از روش تحلیل محتوا
گام سوم	اولویت بندی متغیرها تاثیرگذار بر قراردادهای مالی بازار سرمایه	با استفاده از رویکرد AHP فازی و نرم افزار EXPERT CHOICE
گام چهارم	اولویت بندی متغیرهای حفظ امنیت و توسعه اقتصادی	با استفاده از رویکرد AHP فازی و نرم افزار EXPERT CHOICE
گام پنجم	سطح بندی عوامل موثر تاثیرگذار قراردادهای بازار بر حفظ امنیت و توسعه اقتصادی	با استفاده از رویکرد مدلسازی توصیفی ساختاری و نرم افزار MATLAB
گام ششم	تجزیه و تحلیل کمی و برازش نهایی مدل	با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری

در پژوهش حاضر برای تبیین روش شناسی فراترکیب از رویکرد هفت مرحله‌ای باروسو و ساندلوسکی استفاده شده است و برای یافتن ابعاد توسعه مالی از روش تحلیل محتوا استفاده خواهد شد.

در تحقیق حاضر در مرحله کیفی در بخش تعیین و شناسایی ابعاد و مولفه‌های تاثیرگذار بر قراردادهای مالی بازار سرمایه از تیم تصمیم (مشارکت کننده) که شامل (اساتید دانشگاهی و خبرگان حوزه کارآفرینی و مدیریت استراتژیک) که دارای ویژگی‌هایی نظیر در دسترس بودن، تجربه، تناسب رشته تحصیلی، مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد، اشتغال به تدریس، سابقه پژوهشی و تالیفی بودند و همین طور (کارآفرینان حوزه صنعت و مدیران شهرک‌های صنعتی استان تهران) به تعداد ۱۵ نفر و در بخش توسعه مالی از تیم تصمیم شامل (اساتید دانشگاهی و خبرگان حوزه اقتصاد و مالی) که دارای ویژگی‌هایی نظیر در دسترس بودن، تجربه، تناسب با رشته تحصیلی، مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد، سابقه پژوهشی و تالیفی و همین طور (روسای بانک‌ها و کارمندان بانک مرکزی) که به تعداد ۱۵ نفر بودند به عنوان تیم تصمیم در شناسایی شاخص‌ها و ابعاد متغیرها در این تحقیق حضور داشتند که جهت انتخاب آن‌ها از روش غیر تصادفی (هدفمند) و روش گلوله برفی استفاده شده است.

در بخش کمی جامعه آماری شامل مدیران و کارشناسان با تجربه شرکت‌های فعال در شهرک‌های صنعتی استان تهران می‌باشند. در این قسمت حجم نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان یا فرمول کوکران تعیین خواهد شد و در انتخاب نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده می‌شود. تعداد شهرک‌های صنعتی و نواحی صنعتی موجود در استان تهران برابر با ۲۱ می‌باشد. تعداد کل واحدهای به بهره برداری رسیده در داخل شهرک‌ها و نواحی ۴۸۴ واحد می‌باشد.

در این تحقیق روش‌های گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بدین صورت که مباحث نظری و اصول اولیه طرح از طریق مطالعات کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد و در ادامه برای رسیدن به اهداف طرح با استفاده از روش میدانی به جمع آوری اطلاعات پرداخته می‌شود.

محقق در تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها، از درصد فراوانی و درصد تجمعی استفاده کرده و نتایج را به صورت جدول و نمودار بیان نموده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری بدست آمده از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی و آمار استنباطی شامل روش معادلات ساختاری با نرم افزار Spss استفاده شده است.

در این پژوهش از مدل یابی معادلات ساختاری با کمک روش حداقل مربعات جزئی PLS در حوزه‌های زیادی از جمله حوزه منابع انسانی کاربرد دارد. مدل یابی در PLS در دو بخش سنجیده می‌شود: الف) بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری، ب) بخش مربوط به مدل ساختاری. در بخش اول از طریق برآورد مسیر بین متغیرها و تعیین شاخص‌های برازش مدل بررسی می‌شود.

پایایی مدل اندازه‌گیری بوسیله ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ضرایب بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی سوالات یک متغیر با آن سازه محاسبه می‌شوند. در صورتی که این مقدار برابر یا بیشتر از ۰.۴ شود، موید این مطلب است که واریانس بین متغیر و سوالات آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است.

از آنجایی که معیار آلفای کرونباخ یک معیار سنتی برای تعیین پایایی متغیرها می‌باشد، در روش حداقل مربعات جزئی (PLS) معیار مدرن تری نسبت به آلفای کرونباخ به نام پایایی ترکیبی به کار برده می‌شود. این معیار توسط ورتس و همکاران در سال ۱۹۷۴ معرفی شد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی متغیرها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی متغیرها با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی، هردوی این معیارها به کار برده می‌شوند. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر متغیر بالاتر از ۰.۷ شود، نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد و مقدار کمتر از ۰.۶ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد.

معیار دوم از بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگرا است که به بررسی همبستگی هر متغیر با سوالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. معیار AVE^1 نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر متغیر با سوالات خود می‌باشد. به بیان ساده تر AVE میزان همبستگی یک متغیر با سوالات خود را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. مطابق روش فورنل و لارکر مقدار مناسب برای AVE ، ۰.۵ به بالا معرفی شده است.

بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سوالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و در این بخش تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌گردد. برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از مقادیر t -values و R^2 استفاده شده است. R^2 معیاری است که نشان از تاثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و در آن سه مقدار ۰.۱۹، ۰.۳۳، ۰.۶۷ به عنوان ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته شد.

استفاده از روش فرا ترکیب

در این پژوهش پنج پایگاه داده به زبان انگلیسی شامل ((اسکوپوس، امرالد، ساینس دایرکت، اسپرینگر و پروکوئست)) و سه پایگاه داده به زبان فارسی شامل ((پایگاه نشریات کشور)) و ((پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی)) و ((سیویلیکا)) انتخاب شدند. در این پایگاه‌ها، مقالات مرتبط با حوزه پژوهش از سال ۱۹۹۰ تاکنون بررسی می‌گردند. برای جست و جوی مقالات در این پایگاه‌ها از واژگان کلیدی متعددی با توجه به سوال پژوهش استفاده شد. لیست این واژگان در جدول زیر، قابل مشاهده است.

¹ Average Variance Extracted

² Scopus, Emerald, Science direct (Elsevier), Springer, ProQuest

جدول ۲. واژگان کلیدی مورد جست و جو

فارسی
شفافیت منابع و شروط قراردادی
مقررات گذاری و دخالت دولت
حاکمیت قانون
امنیت و کارآمدی نظام قضایی
قابلیت نوآوری قراردادی
قرارداد بازار سرمایه
حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی

در گام نخست، پایگاه‌های داده‌ی معرفی شده با استفاده از واژگان و اصطلاحات کلیدی جدول بالا جست و جو شدند و تمامی مقالات براساس ارتباط عنوان مقاله با آن‌ها در یک فایل صفحه گسترده جمع آوری شدند.

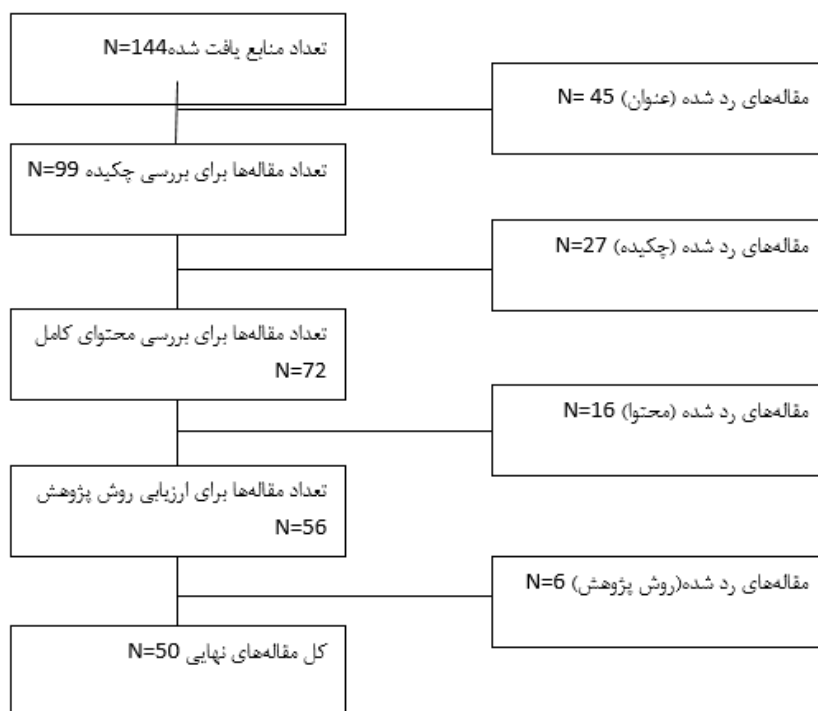
جست و جو و انتخاب مقاله‌های مناسب

در این گام منابع یافت شده در مرحله قبل به صورت گام به گام براساس معیارهای پذیرش و یا عدم پذیرش مقالات بررسی می‌گردند. این معیارها در جدول زیر، ذکر شده‌اند.

جدول ۳. معیارهای پذیرش و عدم پذیرش مقالات

معیار پذیرش	معیار عدم پذیرش
زبان پژوهش	فارسی و انگلیسی
زمان انجام	از ۱۹۹۰ تا کنون
روش تحقیق	کیفی و کیفی/کمی
شرایط مورد مطالعه	ابعاد و مولفه‌های کارآفرینی استراتژیک
نوع مطالعه	مقالات چاپ شده در مجلات
	مقالات کنفرانسی و نظرات شخصی و مقالات نامعتبر
	مواردی غیر از سوال پژوهش
	غیر از زبان فارسی و انگلیسی
	قبل از آن
	غیر کیفی

در این مرحله، ۱۴۴ مقاله‌ی یافت شده به طور دقیق طی چند مرحله مورد بازبینی قرار گرفتند تا مشخص شود کدام یک متناسب با سوالات پژوهش هستند. بنابراین، مقالاتی که ارتباطی با سوالات نداشتند طی این مراحل کنار گذاشته شدند و در نهایت، مرتبط ترین مقالات برای استخراج پاسخ سوالات مشخص گردیدند. فرایند بازبینی شامل بررسی عنوان مقالات، چکیده و محتوای آن‌ها بود و در هر مرحله تناسب با معیارهای پذیرش مورد بررسی قرار گرفت. الگوریتم مشاهده شده در شکل زیر، فرایند بازبینی را شرح می‌دهد.



شکل ۱. الگوریتم انتخاب مقاله‌های نهایی

یافته‌ها

در این تحقیق، براساس مطالعات پیشین برای تمام اطلاعات استخراج شده کدی در نظر گرفته شد و سپس با در نظر گرفتن مفهوم هریک از این کدها، در یک مفهوم مشابه دسته بندی شد.

براساس تحلیل‌های صورت گرفته و تحلیل محتوای مقالات، ۵۰ مقاله نهایی انتخاب شدند و در مجموع ۶ مقوله و ۱۶ مفهوم و ۷۰ کد برای مولفه‌های کارآفرینی استراتژیک در این تحقیق کشف و برچسب گذاری شدند. در جدول زیر، کدهای نهایی استخراج شده ی مرتبط با هر مقوله و مفهوم نشان داده می‌شود.

جدول ۴. کدهای نهایی استخراج شده مرتبط با هر مقوله و مفهوم

مقوله	مفهوم و توضیحات	کد
شفافیت	پرهیز از مغلق نویسی	شفافیت در ارتباط با متون - ایده پردازی شفاف - قیود اجرای درست قرارداد - داشتن متن قانونی صریح و بدون ابهام
شفافیت قراردادهای سازمانی	ضرورت رعایت اصل شفافیت	فراهم بودن اطلاعات، در دسترس بودن اطلاعات مربوط به شرکت‌ها
	شفافیت در مبحث عملکرد شرکت‌های تجاری	شفافیت عملکردی - تداوم شفافیت در حل مسئله - اطلاعات شفاف و صحیح از عملکرد و رویه قانون گذاری، شفافیت در زمینه تصمیمات اجرایی همراه با محدودیت دسترسی به اطلاعات
عوامل حاکمیتی	مقررات گذاری و دخالت دولت	تعادل بین اکتشاف و بهره برداری - تعادل منابع بین اکتشاف و بهره برداری - ساختار بندی منابع - هماهنگ سازی منابع
	قوانین دولتی پویا متناسب با تغییر شرایط	مقررات متناسب با تغییر شرایط - مدیریت استراتژیک در سیاستگذاریهای کلان - چشم انداز مطلوب
	خط مشی استراتژیک دولت در رفع ابهام	خط مشی مطلوب - مقررات گذاری راهبردی
	قراردادها	

حاکمیت قانون	اعمال قوانین از سوی مقامات عمومی	برابری در مقابل قوانین و اجرای برابر قانون، استقلال قضایی، انصاف در اعمال قانون اجتناب از خودسرانگی و اتخاذ تصمیمات سلیقه ای توانایی مردم برای مطالبه و کسب جبران - دسترسی به نهادهای رسمی یا غیررسمی - تبعیت از استانداردهای حقوق بشر امنیت انسانی، حمایت در مقابل سوء استفاده
عوامل اجتماعی	امنیت اجتماعی و کارآمدی نظام قضایی	حقوق بشری حقوق حق و اجرای عدالت برقراری نظم رسالت بنیادین دستگاه قضایی
عوامل نوآورانه	قرارداد بازار سرمایه	قرارداد نقدی
قرارداد بازار سرمایه		قرارداد نسبی
		قرارداد سلف
قابلیت نوآوری	قابلیت قراردادی	نوآوری پیشگامی در عقد قرارداد خلاقیت و نوآوری در بستن قراردادها
عوامل اقتصادی	حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی	رویکرد آسیایی و انگلیسی-آمریکایی بر مبنای محوریت فرد سطوح مختلف امنیت اقتصادی (سطح خرد (فرد/ خانوار/ مصرف کننده)- سط میانی (بنگاهها) - سطح کلان (ملی، منطقه‌ای و جهانی) مولفه‌های نهادی و بازار
		امنیت اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری، امنیت تولید، امنیت جمعیت‌شناختی، امنیت اجتماعی، امنیت زیرساخت‌های حیاتی، امنیت انرژی، امنیت علمی-فناوری و امنیت غذایی سخن گفت.
		ایجاد ترتیبات نهادی مؤثر، محیط مساعد برای فعالیت عوامل تولید، اجرای سیاست‌های توسعه منطقه‌ای و توسعه پایدار، آزادی مالکیت، سیستم اقتصادی و بانکداری مناسب، حمایت اجتماعی و پژوهش‌های علمی و فناوری همراه با احترام به حقوق مالکیت معنوی و کپی-رایت
	ریسک و عوامل تهدیدکننده امنیت اقتصادی	سرانه تولید ناخالص داخلی، رشد واقعی تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم سالیانه، تراز بودجه نسبت به تولید ناخالص داخلی و تراز حساب جاری نسبت به تولید ناخالص داخلی. برنامه‌ریزی امنیت اقتصادی - هزینه امنیت اقتصادی- توزیع بهینه در کل نظام امنیت ملی

در پایان ارزیابی و استخراج مقوله‌ها جهت اطمینان از درستی تحلیل محتوا و کدهای استخراجی از ضریب موضوعی کاپای کوهن استفاده شد بدین صورت که کلیه مقالات و نتایج حاصله در اختیار دو ارزیاب که از متخصصان قراردادهای بازار سرمایه می‌باشد قرار گرفته و ضریب کاپای کوهن اندازه گیری شد. ضریب کاپا در این بخش از پژوهش ۰.۷۹ اندازه گیری شد که نشان دهنده توافق خوب بین دو ارزیاب در استخراج کدها و مقولات این پژوهش می‌باشد.

توسعه فردی و تحول سازمانی

در خصوص سوال سوم تحقیق که به بررسی چگونگی و نحوه اولویت بندی شاخص‌های تاثیرگذار قرارداد در بازار سرمایه می‌پردازد از تکنیک کمی تصمیم‌گیری تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده گردید که خروجی آن در جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول ۵. اولویت بندی شاخص‌های تاثیرگذار قرارداد در بازار سرمایه با رویکرد AHP فازی

رتبه	وزن	مؤلفه	رتبه	وزن	بعد
۲	۰.۰۸۲	تخصیص منابع مطلوب دولت	۱	۰.۲۰۱	عوامل حاکمیتی
۳	۰.۰۷۸	قوانین دولتی پویا متناسب با تغییر شرایط			
۱۴	۰.۰۴۰	خط مشی استراتژیک دولت در رفع ابهام قراردادها			
۴	۰.۰۷۷	اعمال قوانین از سوی مقامات حاکمیتی			
۱۷	۰.۰۲۴	دسترسی به دادگستری			
۶	۰.۰۷۶	مطابقت قوانین با هنجارها و استانداردهای حقوق بشری			
۵	۰.۰۷۴	شفافیت عملکردی شرکت‌های تجاری	۲	۰.۱۹۱	عوامل شفافیت سازمانی و شرکتی
۸	۰.۰۶۹	رعایت اصول شفافیتی و پرهیز از مغلق نویسی			
۱۲	۰.۰۴۸	شفافیت اطلاعاتی			
۱	۰.۱۰۴	پیشگامی خلاق در عقود قراردادی	۳	۰.۱۷۸	عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه
۵	۰.۰۷۴	خلاقیت و نوآوری در بستن متون قراردادها			
۷	۰.۰۷۱	ریسک و عوامل تهدیدکننده	۴	۰.۱۶۹	عوامل اقتصادی
۱۰	۰.۰۵۹	ارتقای سطوح مختلف امنیت اقتصادی			
۱۵	۰.۰۳۹	مؤلفه‌های نهادی و بازار			
۳	۰.۰۷۸	قرارداد نقدی	۵	۰.۱۳۸	شفافیت قراردادهای بازار سرمایه
۹	۰.۰۶۰	قرارداد سلبی			
۱۸	۰.۰۲۳	قرارداد نسبه			
۱۱	۰.۰۵۷	برقراری نظم	۶	۰.۱۲۳	عوامل اجتماعی
۱۳	۰.۰۴۱	احقاق حق و اجرای عداوت			
۱۶	۰.۰۲۵	رسالت بنیادین دستگاه قضایی			

در خصوص سوال چهارم تحقیق که بررسی چگونگی و نحوه اولویت بندی ابعاد رشد و ارتقاء اقتصادی پرداخته است از تکنیک تصمیم‌گیری تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده گردید که خروجی آن در جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول ۶. اولویت بندی شاخص‌های توسعه مالی با رویکرد AHP فازی

رتبه	وزن	مؤلفه	رتبه	وزن	بعد
۲	۰.۰۴۸	شاخص فساد	۱	۰.۳۰۵	محیط نهادی

Personal Development and Organizational Transformation

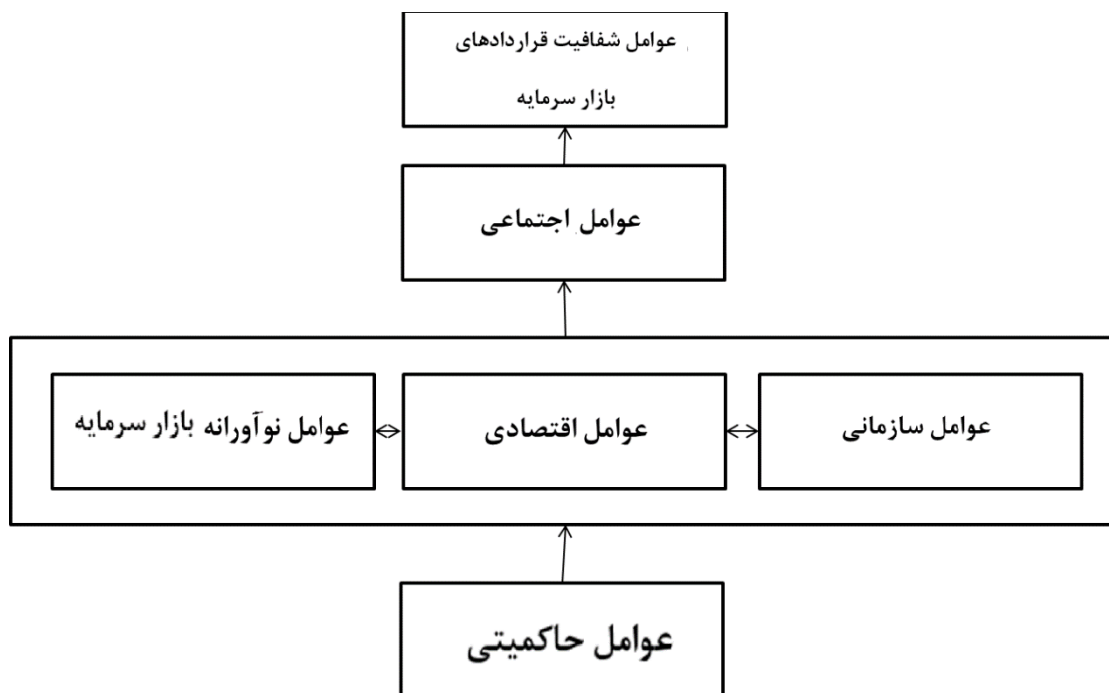
۳	۰.۰۴۳	حاکمیت نظم و قانون			
۱	۰.۰۴۹	ثبات سیاسی			
۴	۰.۰۴۲	حق اظهار نظر و پاسخگویی			
۵	۰.۰۳۷	حقوق مالکیت پایدار			
۹	۰.۰۳۲	کارایی و اثربخشی دولت			
۱۰	۰.۰۳۱	کیفیت قوانین و مقررات			
۱۲	۰.۰۲۹	میزان بروکراسی			
۶	۰.۰۳۶	شاخص عمق مالی	۲	۰.۲۰۲	بخش پولی
۱۰	۰.۰۳۱	میزان استقلال بانک مرکزی			
۱۱	۰.۳۰	کنترل اعتبارات			
۱۲	۰.۰۲۹	نظارت دقیق بانک مرکزی			
۱۳	۰.۰۲۷	آزادی نرخ سود			
۱۴	۰.۰۲۶	کارایی بانک مرکزی			
۱۸	۰.۰۲۰	مانده اوراق مشارکت بانک مرکزی به پایه پولی			
۷	۰.۰۳۵	سرمایه گذاری مستقیم خارجی	۳	۰.۱۸۲	باز بودن بخش مالی
۸	۰.۰۳۳	رژیم ارزی مناسب			
۱۵	۰.۰۲۵	انتقال بین المللی دانش			
۱۶	۰.۰۲۴	انتقال بین المللی سرمایه			
۱۶	۰.۰۲۴	انتقال بین المللی فناوری			
۱۷	۰.۲۳	وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی			
۲۰	۰.۰۱۷	کمک‌های بلاعوض خارجی			
۷	۰.۰۳۵	شاخص عمق بازار سهام	۴	۰.۱۸۰	بخش مالی غیر بانکی
۹	۰.۰۳۲	شاخص جاری بازار سهام			
۱۰	۰.۰۳۱	درجه فعالیت بازار سهام			
۱۱	۰.۰۳۰	شاخص ضریب نفوذ بیمه			
۱۳	۰.۰۲۷	ارزش افزوده موسسات مالی غیربانکی			
۱۶	۰.۰۲۴	ارزش افزوده سایر نهادهای مالی			
۱۵	۰.۰۲۵	ارزش افزوده بخش بانکی	۵	۰.۱۳۱	بخش مالی بانکی
۱۶	۰.۰۲۴	کارایی شبکه بانکی			
۱۷	۰.۰۲۳	حاشیه سود بانکی			
۱۸	۰.۰۲۰	سهم سپرده‌های بخش غیر دولتی در نظام بانکی			
۱۹	۰.۰۱۹	رقابت پذیری بخش بانکی			

سطح بندی ابعاد کارآفرینی راهبردی با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۷. سطح بندی عوامل براساس ماتریس دستیابی سازگار شده

سطح	مجموعه اشتراک	مجموعه مقدم	مجموعه دسترسی	مولفه
دوم	۱	۱-۲-۳-۴-۵	۱-۶	عوامل حاکمیتی
سوم	۲-۴-۵	۲-۳-۴-۵	۱-۲-۴-۵-۶	شفافیت عوامل سازمانی و شرکتی
چهارم	۳	۳	۱-۲-۳-۴-۶	
سوم	۲-۴-۵	۲-۳-۴-۵	۱-۲-۴-۵-۶	عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه
سوم	۲-۴-۵	۲-۴-۵	۱-۲-۴-۵-۶	عوامل اقتصادی
اول	۶	۱-۲-۳-۴-۵-۶	۶	شفافیت قراردادهای بازار سرمایه

گام ششم: ترسیم شبکه تعاملات. با مشخص شدن سطح عوامل می‌توان مدل نهایی مرسوم به دیاگرام را براساس ماتریس سازگار شده ترسیم نمود. دیاگرام نهایی به صورت نگاره ی زیر می‌باشد.



شکل ۲. نمودار نهایی حاصل از فرآیند ISM (مدل مطلوب و کارآمد قرارداد در بازارهای سرمایه)

با توجه به دیاگرام بالا می‌توان اینگونه بیان کرد که عوامل حاکمیتی بیشترین تاثیر گذاری را بر قراردادهای بازار سرمایه دارد. مولفه‌های عوامل سازمانی و شرکتی و عوامل اقتصادی و عوامل نوآورانه هر سه بر یکدیگر تاثیر گذاری متقابل دارند و هر سه این مولفه‌ها تحت تاثیر پذیری عوامل حاکمیتی بوده و بر روی عوامل اجتماعی تاثیر گذار می‌باشد.

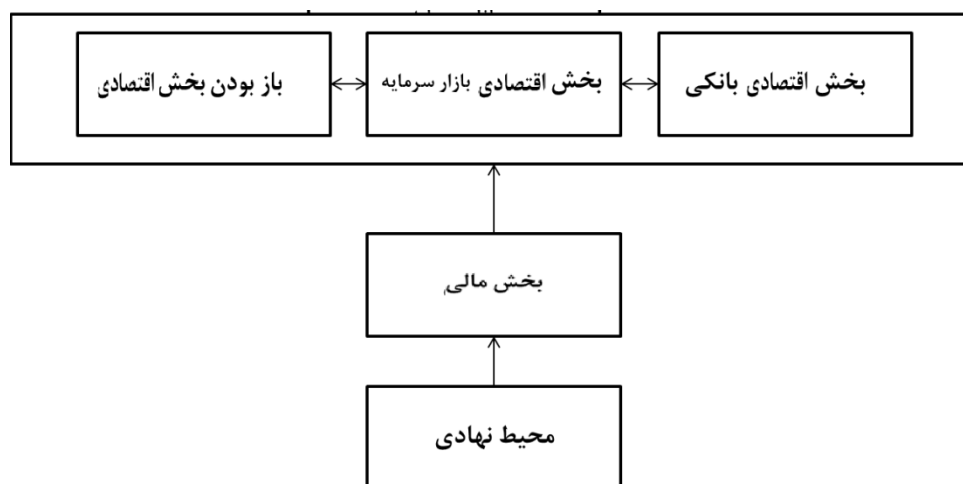
با توجه به تحلیل MICMAC صورت گرفته متغیرهای عوامل اجتماعی و شفافیت بازار جز متغیرهای وابسته و عوامل سازمانی و عوامل اقتصادی و نوآورانه جز متغیرهای رابط و عوامل محیطی یک عامل مستقل شناسایی شده است.

سطح بندی ابعاد توسعه مالی با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۸. سطح بندی ابعاد حفظ امنیت و توسعه اقتصادی با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری

سطح	مجموعه اشتراک	مجموعه مقدم	مجموعه دسترسی	مولفه
سوم	۱	۱-۲-۳-۴	۱	محیط نهادی
اول	۲	۲	۱-۲	بخش اقتصاد مبتنی بر بانک
اول	۳	۳	۱-۳-۴	بخش اقتصاد مبتنی بر بازار سرمایه
دوم	۴	۳-۴	۱-۴	بخش مالی
اول	۵	۵	۵	باز بودن بخش اقتصادی

شبکه تعاملات این ابعاد با مشخص شدن سطح عوامل مدل نهایی به صورت زیر می‌باشد



شکل ۳. سطح بندی ابعاد توسعه مالی با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری

با توجه به دیاگرام بالا می‌توان اینگونه بیان کرد که محیط نهادی بیشترین تاثیر گذاری را بر دیگر مولفه‌های توسعه مالی دارد و همین طور بخش مالی بانکی و بخش مالی غیربانکی و باز بودن بخش مالی بیشترین تاثیرپذیری را از دیگر عوامل دارد.

در نهایت برای مدل نهایی رویکرد ساختاری تفسیری تحلیل MICMAC نیز صورت گرفته است.

با توجه به نمودار تحلیل MICMAC می‌توان این گونه بیان کرد که محیط نهادی یک متغیر مستقل دارای تاثیرگذاری زیاد بر روی دیگر مولفه‌ها می‌باشد. باز بودن بخش مالی متغیر خودمختار بوده به عبارتی میزان وابستگی و قدرت هدایت کمی دارد. بخش اقتصادی مبتنی بر بانک بانکی و بخش اقتصادی مبتنی بر بازار سرمایه نیز جز متغیرهای وابسته می‌باشد چرا که وابستگی قوی و تاثیرپذیری بالایی از دیگر مولفه‌ها دارند. بخش پولی نیز یک متغیر رابط می‌باشد به عبارتی تاثیر پذیری و نیز تاثیرگذاری بسیار بالایی دارد و تغییر کوچکی بر روی آن باعث تغییرات اساسی می‌گردد.

پس از طراحی الگوی مطلوب قراردادهای بازار سرمایه بر حفظ امنیت و توسعه اقتصادی، در محیط نرم افزار smart-pls که تنها جهت روابط و جایگاه هریک از عناصر را در مدل نشان می‌دهد؛ این مدل مورد آزمون قرار گرفت تا ضمن مشخص شدن شدت روابط میان مولفه‌ها، مدل تجربی نیز مورد برازش قرار گیرد. با توجه به نتایج بدست آمده نسبت کای دو بر درجه آزادی (مقدار بدست آمده باید کمتر از مقدار ۳، یعنی مقدار مجاز باشد) برابر با ۲/۸۶ محاسبه شده است. همچنین شاخص ریشه خطای میانگین مجزورات برابر ۰/۰۵۹ است که مقادیر کمتر از ۰/۰۸ نشان می‌دهد مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. مقدار شاخص برازش مقتصد هنجار شده نیز ۰/۸۹ برآورد شده است که از حد مجاز آن یعنی از ۰/۶۰ بیشتر است. سایر شاخص‌ها نیز می‌بایست از ۰/۹ بیشتر باشند که در مدل پژوهش این شرط برآورده شده است. در نتیجه می‌توان گفت در مجموع مدل مناسبی است و داده‌های تجربی اصطلاحاً به خوبی با آن منطبق هستند.

مدل یابی معادلات ساختاری و تکنیک‌های زیر مجموعه از جمله تحلیل عامل تائیدی و تحلیل مسیر به خانواده‌ای از فرآیندهای آماری قوی اطلاق می‌شوند که پژوهشگران علوم انسانی برای آزمون روابط پیچیده بین متغیرهای انسانی به کار می‌گیرند. یکی از روش‌های تحلیل داده‌های آماری، تحلیل مسیر است که بیشتر با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام می‌گیرد. این روش برای آزمون مدل‌های علی به کار گرفته می‌شود و مستلزم تنظیم مدلی به صورت نمودار علی است و در واقع علیت را نشان می‌دهد و به ما کمک می‌کند بدانیم چه می‌خواهیم بگوییم. وانگهی تحلیل مسیر، شکلی از تحلیل رگرسیون کاربردی است که در آن برای هدایت کردن مسئله با آزمون فرضیه‌های پیچیده، از نمودار مسیر استفاده

می‌شود. تحلیل مسیر یکی از چندین آزمون آماری است که تحت عنوان مدل معادلات ساختاری شناخته شده‌اند. این روش امکان آزمون روابط علی بین دو یا چند متغیر را فراهم می‌آورد، که ممکن است به صورت مستقل، وابسته، گسسته یا پیوسته، پنهان یا آشکار و یا هر دو در یک معادله خطی به کار روند. تحلیل مسیر معمولاً در تحقیقات اکتشافی و آزمون‌های نظریه ثانویه مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک محقق می‌تواند مجموعه داده‌ها را برای بررسی روابط غیر قابل پیش بینی بین متغیرها آزمون کند، خواه مستقیم باشد، خواه غیر مستقیم و بدین وسیله مدل‌های مختلف مناسب ترین مدل را به دست آورد. همچنین می‌تواند نظریه‌ها را به وسیله برقراری ارتباط از پیش بینی شده یا مورد شک آزمون کند و از این راه مناسب ترین مدل را کسب کند.

نرم افزار مورد استفاده در این پژوهش برای این تحلیل SMART-PLS است. این نرم افزار مدل‌های معادلات ساختاری را که دارای چندین متغیر بوده و اثرات مستقیم، غیر مستقیم و تعاملی را شامل می‌شود، مورد تحلیل قرار می‌دهد. این نرم افزار برای آزمودن تاثیر تعدیل کنندگی، نرم افزار مناسبی است. اسپوسیو وینزی و همکاران (۲۰۱۰) عنوان کردند که مدل‌های مسیر PLS در دو مرحله تخمین زده می‌شوند. مرحله اول نمره متغیرهای پنهان برای هر متغیر پنهان تخمین زده می‌شوند و در مرحله دوم نقش تعدیل کنندگی متغیرهای نهفته بسته به وضعیت آن‌ها در مدل مسیر بررسی می‌گردد.

در نرم افزار SMART-PLS ارزش t ، معنی دار بودن اثر متغیرها را بر هم نشان می‌دهد. اگر مقدار t بیشتر از ۱.۹۶ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنی دار است. اگر بین ۱.۹۶ تا -۱.۹۶ باشد، اثر معنی داری وجود ندارد و اگر کوچک تر از ۱.۹۶ منفی باشد، یعنی اثر منفی دارد، ولی معنادار است. همچنین ضرایب مسیر اگر بالای ۰.۶۰ باشد، بدین معنی است که ارتباطی قوی میان دو متغیر وجود دارد، اگر بین ۰.۳ تا ۰.۶ باشند، ارتباط متوسط و اگر زیر ۰.۳ باشند، ارتباط ضعیفی وجود دارد، بنابراین داده‌های به دست آمده در جدول زیر مطابق نمودارهای تحلیل مسیر و آزمون t این نرم افزار به دست آمده است.

جدول ۹. خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

مسیرها	ضریب مسیر	ارزش آزمون t	سطح معنی داری	میزان تاثیر
محیط نهادی به حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی	۰.۷۳۰	۳۵.۸۵۶	معنی دار و مثبت	قوی
بخش اقتصادی مبتنی بر بانک به حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی	۰.۴۹۲	۲۹.۵۴۰	معنی دار و مثبت	متوسط
بخش اقتصادی مبتنی بازار سرمایه به حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی	۰.۵۲۷	۲۵.۹۵۸	معنی دار و مثبت	متوسط
بخش مالی به حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی	۰.۶۵۱	۲۷.۴۶۲	معنی دار و مثبت	قوی
باز بودن بخش اقتصادی به حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی	۰.۵۰۳	۱۹.۶۴۰	معنی دار و مثبت	متوسط
عوامل حاکمیتی به حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی	۰.۷۹۸	۳۲.۸۶۹	معنی دار و مثبت	قوی
عوامل سازمانی به قرارداد در بازار سرمایه	۰.۴۸۶	۳۱.۸۷۰	معنی دار و مثبت	متوسط
عوامل خلاق نوآورانه بازار سرمایه به قرارداد در بازار سرمایه	۰.۵۶۱	۴۰.۴۸۶	معنی دار و مثبت	متوسط
شاخص‌های مالی و اقتصادی بازار به قرارداد در بازار سرمایه	۰.۶۳۱	۴۳.۸۵۳	معنی دار و مثبت	قوی
شفافیت قراردادهای بازار سرمایه به قرارداد در بازار سرمایه	۰.۶۰۲	۳۱.۹۷۲	معنی دار و مثبت	قوی
عوامل اجتماعی به قرارداد در بازار سرمایه	۰.۴۰۱	۲۹.۸۵۴	معنی دار و مثبت	متوسط
قراردادهای بازار سرمایه به حفظ، توسعه و امنیت اقتصادی	۰.۸۵۱	۴۲.۶۷۴	معنی دار و مثبت	قوی

مطابق نمودارهای صفحات گذشته می‌توان عنوان کرد که قراردادهای بازار سرمایه بر روی توسعه و ارتقای امنیت اقتصادی با توجه به ضریب مسیر ۰.۸۵۱ و آزمون t ، ۴۲.۶۷۴ ارتباط مثبت و معنی دار و قوی دارد. همین طور محیط نهادی و بخش پولی رابطه معنی دار و قوی بر متغیر

امنیت اقتصادی دارد و متغیرهای بخش اقتصادی بانکی و بخش اقتصادی بازار سرمایه و باز بودن بخش اقتصادی ارتباط متوسطی بر متغیر توسعه اقتصادی دارد.

عوامل حاکمیتی و شاخص‌های مالی و اقتصادی و عوامل نوآورانه ارتباط قوی و مثبت و معناداری بر روی قراردادهای بازار سرمایه دارد و عوامل سازمانی و عوامل اجتماعی رابطه متوسطی و مثبت و معناداری بر روی قراردادهای بازار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در این پژوهش، مشخص شد که الگوی پیشنهادی قراردادهای بازار سرمایه با رویکرد ثبات امنیت اقتصادی دارای ساختاری چندلایه و تعاملی است که در آن عوامل حاکمیتی و محیط نهادی بیشترین نقش را در تنظیم و اثربخشی قراردادها ایفا می‌کنند. مطابق با نتایج تحلیل مسیر، متغیرهای «عوامل حاکمیتی» و «محیط نهادی» تأثیر مستقیم، معنادار و قوی بر قراردادهای بازار سرمایه و همچنین امنیت اقتصادی دارند. در واقع، مؤلفه‌هایی مانند تخصیص منابع مطلوب دولت، قوانین پویا و استراتژیک، اعمال عدالت حقوقی و قضایی، و حاکمیت قانون، نقش بنیادینی در شکل‌گیری قراردادهای کارآمد ایفا می‌کنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد که بر تأثیر مثبت تنظیم‌گری نهادی و نقش فعال دولت در تسهیل فرآیندهای اقتصادی و کاهش ریسک بازار تأکید کرده‌اند (Hamedi & Farhanian, 2015; Sharifi et al., 2024).

از سوی دیگر، نقش متغیرهای اقتصادی از جمله بخش پولی، مالی و باز بودن اقتصاد، در الگوی نهایی تأیید شد. ضریب تأثیر این متغیرها بر امنیت اقتصادی، مثبت و معنادار بود و به‌ویژه در مورد شاخص‌هایی نظیر استقلال بانک مرکزی، عمق مالی، و کارایی نهادهای پولی، این اثرگذاری قوی‌تر مشاهده شد. این یافته با مطالعاتی که توسعه مالی را عامل تسهیل در تجهیز منابع، جذب سرمایه‌گذاری و کاهش ناطمینانی دانسته‌اند، هم‌راستا است (Domeher et al., 2022; Sameti et al., 2012). همچنین، نقش حیاتی بازار سرمایه در این میان به عنوان یکی از پایه‌های مهم تأمین مالی غیر بانکی تأیید شده است که در هم‌راستایی با نتایج مطالعه (Manzoor & Taghipour, 2015) است که بازارهای سرمایه را به عنوان حلقه اتصال بخش حقیقی و مالی اقتصاد معرفی می‌کنند.

در ادامه یافته‌ها نشان دادند که عوامل سازمانی، عوامل نوآورانه و شفافیت در قراردادها نیز در سطوح میانی الگو قرار گرفته و با تأثیرگذاری متقابل، نقش کلیدی در تسهیل تعاملات قراردادی و کاهش ریسک‌های ناشی از عدم شفافیت ایفا می‌کنند. یافته‌های این بخش با مطالعات (Shokrollahi et al., 2024b) و (Shokrollahi et al., 2024a) هم‌راستا است که بر نقش فرهنگ سازمانی نوآور، قابلیت‌های فناورانه و خلق قراردادهای منعطف و هوشمند تأکید دارند. در حقیقت، افزایش شفافیت، نوآوری و توانمندسازی سازمان‌ها در انعقاد قراردادهایی متناسب با تحولات بازار، می‌تواند اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داده و نرخ مشارکت در بازار را بالا ببرد.

تحلیل مدل معادلات ساختاری نیز تأیید کرد که بین قراردادهای بازار سرمایه و امنیت اقتصادی رابطه‌ای قوی و معنادار وجود دارد ($\beta = 0.851, t = 42.674$). این موضوع حاکی از آن است که کیفیت تنظیم قراردادها می‌تواند نقش مستقیمی در تقویت احساس امنیت اقتصادی در میان فعالان بازار و عموم ذی‌نفعان ایفا کند. این یافته با نتایج پژوهش (Hayati, 2018) هم‌سویی دارد که بر نقش اصول حقوقی شفاف در تنظیم تعاملات اقتصادی با هدف کاهش تهدیدهای حقوقی و اقتصادی تأکید دارد. در این راستا، چارچوب‌های حقوقی دقیق و منعطف می‌توانند به عنوان ابزارهایی مؤثر در خدمت تقویت اعتماد، شفافیت و کارایی بازار سرمایه قرار گیرند.

همچنین یافته‌ها حاکی از آن بودند که بهره‌گیری از مدل‌های نظارتی هوشمند و فناوری‌های نوین نظیر SupTech در فرایند تنظیم‌گری، تأثیر بسزایی در ارتقاء کیفی قراردادها دارد. این یافته با پژوهش (Naghdı & Hamıdı, 2024) مطابقت دارد که بر نقش چارچوب‌های نظارتی هوشمند در بهینه‌سازی سازوکارهای نظارت و کاهش تعارض‌های اطلاعاتی تأکید دارد. به همین ترتیب، ارتباط میان نوآوری مالی و توسعه اقتصادی نیز در مدل تأیید شد که با دیدگاه (Xu et al., 2021) در زمینه اثرگذاری سیاست‌های هوشمند مالی بر ارتقاء نوآوری‌های فناورانه هم‌راستا است. همچنین، (Wang et al., 2022) نیز توسعه سیستم‌های مالی نوآور را عامل ارتقاء شمول مالی و اثربخشی نظارت معرفی می‌کند.

در سطح خرد، تحلیل‌های رفتاری نیز مؤید آن بود که شناخت دقیق انگیزه‌ها و الگوهای رفتاری سرمایه‌گذاران، شرط لازم برای طراحی قراردادهایی با کارکرد بالا است. یافته‌های (Badrı et al., 2025) در این زمینه نشان می‌دهد که مدل‌سازی رفتاری می‌تواند به پیش‌بینی دقیق‌تر تعاملات در بازار و طراحی ابزارهای قراردادی هوشمندانه کمک کند. این یافته در تکمیل دیدگاه (Asadı Si Sakht et al., 2017) است که بر نقش استراتژی‌های کارآفرینانه و طراحی نظام‌مند قراردادها تأکید دارد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مطلوب قرارداد در بازار سرمایه ایران باید تلفیقی از ملاحظات حقوقی، نهادی، اقتصادی، فناورانه و رفتاری باشد. در این الگو، توجه هم‌زمان به تنظیم‌گری هوشمند، شفافیت اطلاعاتی، نوآوری سازمانی و تقویت محیط نهادی، شرط اساسی برای تقویت امنیت اقتصادی در چارچوب تعاملات قراردادی است. همچنین توجه به ساختار مالی کشور، به‌ویژه تفکیک نقش بازار پول و سرمایه و باز بودن اقتصاد در قالب تعاملات بین‌المللی، در مدل‌سازی نهایی باید لحاظ شود (Mesbahi Moghadam et al., 2010).

یکی از محدودیت‌های این پژوهش، تمرکز آن بر داده‌ها و نظرات متخصصان داخلی بوده است که ممکن است در ارزیابی و مقایسه تطبیقی با نظام‌های پیشرفته حقوقی و مالی جهان، نوعی تعمیم‌ناپذیری ایجاد کند. همچنین به دلیل حجم گسترده عوامل مؤثر، امکان بررسی همه جانبه و عمقی برخی مؤلفه‌های جزئی در قالب یک پژوهش واحد فراهم نبوده است. پیچیدگی روابط علی میان متغیرها نیز در برخی بخش‌ها نیاز به تحلیل‌های مکمل تجربی یا مطالعات موردی داشته که در این پژوهش کمتر به آن پرداخته شده است.

در پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که مدل ارائه‌شده در این مطالعه، در بسترهای مختلف مانند بورس کالا، بورس انرژی و سایر بازارهای سرمایه‌ای نیز آزمون شود. همچنین مطالعه تطبیقی میان نظام قراردادی بازار سرمایه ایران و کشورهای منطقه یا توسعه‌یافته، می‌تواند به غنای مدل و شناسایی خلأهای قانونی کمک کند. همچنین می‌توان به بررسی تأثیرات بلندمدت اجرای این الگو بر شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی مانند اشتغال، رفاه اجتماعی و بهره‌وری پرداخت.

سازمان بورس و اوراق بهادار و سایر نهادهای سیاست‌گذار اقتصادی می‌توانند با بهره‌گیری از الگوی ارائه‌شده، نسبت به طراحی قراردادهای هوشمند و متناسب با الزامات نوین بازار اقدام کنند. همچنین به کارگیری فناوری‌های دیجیتال و سامانه‌های نظارتی هوشمند می‌تواند فرایند تنظیم‌گری را تقویت و اعتماد فعالان بازار را افزایش دهد. در نهایت، آموزش‌های هدفمند به مدیران شرکت‌ها و بازیگران بازار درباره اصول نوآوری قراردادی و امنیت اقتصادی، نقش مهمی در ارتقاء اثربخشی اجرای مدل خواهد داشت.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

In recent decades, the increasing complexity of financial markets, the globalization of capital flows, and the rapid pace of technological change have made the regulation of contractual and financial interactions in capital markets a critical challenge for governments and institutions. In developing economies, including Iran, these concerns are further intensified by political volatility, sanctions, and the lack of institutional transparency. As a result, the concept of economic security has evolved beyond its traditional boundaries and now encompasses dimensions such as legal stability, financial governance, and regulatory efficiency (Hamed & Farhanian, 2015; Hayati, 2018). One of the essential pillars of fostering economic security in such contexts is the design of efficient, transparent, and innovation-driven contractual frameworks in the capital market.

The capital market in Iran serves as a vital mechanism for channeling savings into productive investments, supporting entrepreneurship, and diversifying the sources of financing away from bank-centered systems. However, the structure and content of contracts used in the capital market often lack the flexibility and strategic alignment required to withstand systemic shocks or promote long-term development. The dominance of rigid legal frameworks, underdeveloped regulatory infrastructures, and fragmented institutional responsibilities have collectively undermined the performance of contracts in stabilizing the market and enhancing investor confidence (Bayat et al., 2017; Sharifi et al., 2024). In this context, the present study aims to provide a model that integrates legal, institutional, economic, and innovative components to formulate a contractual framework for Iran's capital market with an emphasis on maintaining economic security.

Drawing upon interdisciplinary perspectives, this study bridges gaps between legal principles of freedom of contract, institutional economics, and modern financial theory. From a legal standpoint, the equilibrium between contractual freedom and state intervention remains a core concern. As scholars note, while freedom of contract allows parties to self-determine their obligations, public interest and systemic risk considerations often necessitate regulatory limitations (Hayati, 2018; Niinimäki, 2018). In the capital market, where third-party interests and systemic vulnerabilities are prevalent, designing contracts that balance these concerns is particularly crucial.

The literature on financial development highlights the mediating role of innovation and regulatory responsiveness in promoting sustainable economic growth. Financial innovations such as fintech, smart regulation (SupTech), and digital contracts have transformed market infrastructures and transaction patterns globally (Wang et al., 2022; Xu et al., 2021). These tools offer promising opportunities for developing countries to modernize their capital markets, reduce information asymmetries, and improve the inclusiveness of financial services (Domeher et al., 2022). Nevertheless, such transformation requires not only technological infrastructure but also adaptive legal and institutional models to govern the new dynamics effectively (Naghdi & Hamidi, 2024).

In line with the above arguments, this study seeks to construct an integrated model for capital market contracts in Iran that takes into account organizational innovation, financial structure, regulatory effectiveness, and institutional coherence. By adopting a mixed-methods approach, the research synthesizes theoretical insights, expert opinions, and empirical data to deliver a robust framework for contractual governance in the capital market. The ultimate aim is to ensure that such contracts contribute to national economic stability, support entrepreneurship, and protect investors' rights in an evolving financial environment.

Methods and Materials

This research employed a sequential exploratory mixed-methods design. In the qualitative phase, a meta-synthesis approach was used to identify the key variables influencing capital market contracts. Content analysis was employed to extract concepts related to the development and preservation of economic security. Data sources included scholarly articles from national and international databases published between 1990 and 2024. Through purposive and snowball sampling, a panel of 30 experts was selected, including university faculty, central bank officials, capital market regulators, and industry professionals.

In the quantitative phase, the Analytical Hierarchy Process (AHP) and Interpretive Structural Modeling (ISM) techniques were applied to prioritize and categorize the identified factors. Smart PLS software was used to conduct structural equation modeling (SEM), evaluating the strength and direction of relationships among model components. The statistical population consisted of senior managers and financial analysts working in Tehran's industrial zones. The sample size was determined using Cochran's formula and stratified random sampling.

Findings

The results revealed a multi-layered structural model in which governance and institutional factors had the most substantial influence on both the design and performance of capital market contracts. The strongest path coefficient ($\beta = 0.851$; $t = 42.674$) indicated a powerful and significant relationship between the quality of contractual arrangements in the capital market and the enhancement of economic security. The model confirmed that variables such as dynamic legal regulations, state resource allocation strategies, and judicial independence formed the foundational layer of an effective contractual system.

At the mid-level of the model, organizational innovation, financial structure, and contractual transparency played mutually reinforcing roles. Innovative contracting mechanisms, such as forward contracts, installment-based agreements, and digital smart contracts, were shown to significantly improve market responsiveness and investor confidence. Transparency-related factors, including clarity of contractual terms and real-time disclosure, were positively associated with the reduction of perceived risk.

At the operational level, the financial system's institutional depth—particularly the performance of the banking sector, capital markets, and central monetary authorities—was shown to impact security outcomes. Variables such as financial depth, credit control mechanisms, central bank independence, and regulatory oversight were identified as critical levers for improving investor trust and long-term market stability.

Additionally, ISM-based categorization suggested that institutional environment variables were largely independent, while organizational and financial components acted as mediating factors. Social components—such as equitable access to justice and public trust in legal enforcement—were identified as dependent variables, influenced by broader systemic structures.

Discussion and Conclusion

The study confirms that governance and institutional capacity form the backbone of effective contractual regulation in capital markets. Particularly in transitional economies, where legal certainty and regulatory maturity are limited, strong institutional frameworks are necessary to support investor protection and systemic risk mitigation. When contracts are embedded in transparent, responsive, and equitable regulatory environments, they can serve as instruments for wealth distribution, financial inclusion, and economic resilience.

The model also highlights the significance of financial structure in supporting contractual performance. The efficiency and autonomy of monetary institutions, alongside active capital markets, are key to enabling contracts to function in a stable and predictable manner. Without such foundations, contracts are likely to be perceived as unreliable or vulnerable to manipulation, thus discouraging investment and innovation.

A novel contribution of this study is the integration of organizational and innovation-focused variables into the contractual modeling process. The findings underscore that internal capacities, such as strategic leadership, entrepreneurial orientation, and a culture of innovation, significantly influence how contracts are designed and executed within firms. Furthermore, fostering a culture of transparency and compliance supports long-term stakeholder engagement and market credibility.

Moreover, the research validates the role of technological innovation—particularly fintech and regulatory technologies (RegTech and SupTech)—in enhancing the adaptability and precision of contract monitoring. As markets become more digital and data-driven, the ability to update, enforce, and audit contractual obligations in real time becomes a competitive necessity. However, such digital transformation must be accompanied by legal reforms that address emerging risks such as data privacy, algorithmic bias, and cross-border enforceability.

Ultimately, the findings suggest that contract design in the capital market is not merely a legal or economic function but a strategic activity requiring cross-sectoral alignment. Policymakers should view contracts not only as static documents but as dynamic mechanisms that shape economic interactions, redistribute risks, and reflect societal values. A multidimensional and integrated approach to contractual governance—as proposed in this study—offers a pathway to more secure, efficient, and innovation-friendly financial markets in Iran and similar economies.

References

- Asadi Si Sakht, K., Talebi, K., & Hosseini, S. R. (2017). Entrepreneurial strategies: conceptualizing and providing a new definition. *Entrepreneurship in Agriculture*, 4(2), 61-72. <https://doi.org/10.22069/jead.2017.11800.1208>
- Badri, M., Kazemi Seyyed, M., & Rahimi, H. (2025). Presenting the behavioral model of citizens in selection of trip vehicle with emphasis on how to go to work. *Case Studies on Transport Policy*, 19, 101304. <https://doi.org/10.1016/j.cstp.2024.101304>
- Bayat, M., Talebi, M., & Ghodusi, H. (2017). Investigating the Causes of Non-Acceptance and Innovation Diffusion in Islamic Financial Instruments in Iran's Capital Market. *Journal of Islamic Financial Research*, 277-308. <https://www.sid.ir/FileServer/JF/4026213971402.pdf>
- Domeher, D., Konadu-Yiadom, E., & Aawaar, G. (2022). Financial innovations and economic growth: Does financial inclusion play a mediating role? *Cogent Business & Management*, 9(1), 2049670-2049204. <https://doi.org/10.1080/23311975.2022.2049670>
- Hamed, M., & Farhanian, M. J. (2015). *Regulation and Supervision in Financial Markets*. Navay Madrasah: Tehran Stock Exchange Company.
- Hayati, A. A. (2018). The Concept of Legal Principle and Its Comparison with Legal Rule (Comparative Study in Iranian and French Law). *Bi-Quarterly Scientific Journal of Civil Law Knowledge*, Seventh Year(2, Series 14). https://www.researchgate.net/publication/359229384_A_Comparative_study_of_the_arbitrary_principles_in_Iranian_and_French_Civil_procedure
- Manzoor, D., & Taghipour, A. (2015). A dynamic stochastic general equilibrium (DSGE) model for a small open economy of oil explorer: Case study of Iran. *Quarterly Journal of Economic Research and Policy*, 23(75), 7-44. <http://qjerp.ir/article-1-1156-en.html>

- Mesbahi Moghadam, G. R., Esmaeili Givi, H. R., & Naserpour, A. R. (2010). Presenting a Conceptual Model of Success Indicators of Futures Contracts Offered in the Capital Market of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Knowledge and Development*(30). https://iee.rihu.ac.ir/article_253.html?lang=en
- Naghdi, S., & Hamidi, N. (2024). Introducing an Intelligent Regulatory Framework Based on Suptech project in Capital Market of Iran. *Journal of Securities Exchange*, 17(67), 85-114. https://journal.seo.ir/article_11399.html?lang=en
- Niinimäki, J. P. (2018). Credit markets under asymmetric information regarding the law. *The North American Journal of Economics and Finance*. <https://doi.org/10.1016/j.najef.2018.05.003>
- Sameti, M., Ranjbar, H., & Hematzadeh, M. (2012). A comparative study on the impact of financial development on economic growth under asymmetric information (case study of developed and developing countries). *Quarterly Journal of Economic Growth and Development*, 3(9), 25-45. https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_221.html
- Sharifi, M., Ghavam, M., & SalehAbadi, A. (2024). The Regulatory Framework of the Securities and Exchange Organization in Relation to Self-Regulatory Organizations in the Capital Market of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Securities Exchange, Special Issue of the First National Capital Market Conference*, 247-286. https://journal.seo.ir/article_11380_da876e14bb53ece6e5d0aedb84bae2ee.pdf
- Shokrollahi, M., Eftekhari, E., Mostahfezian, M., & Zahedi, H. (2024a). Adoption of Strategies of Electronic Digital Innovation and Transformation and New Information Technologies Via Application of AI based on Organizational Culture Within Commercial Companies. *Power System Technology Journal*, 48(2), 418. <https://powertechjournal.com/index.php/journal/article/view/557>
- Shokrollahi, M., Eftekhari, E., Mostahfezian, M., & Zahedi, H. (2024b). The Complex Relationship, Between The Culture Of An Organization And Its Significant Impact On Promoting Novel Principeles Entrepreneurship Within Knowledge Based Companies, In Iran. *Educational Administration: Theory and Practice*, 30(7), 903-910. <https://doi.org/10.53555/kuey.v30i7.6886>
- Wang, J. H., Hsieh, Y. S., Chiang, C. H., & Lo, H. C. (2022). Assessing the Financial Innovation System Within Fintech Development: Technology Innovation System Perspective. *Journal of Insurance and Financial Management*, 46-62.
- Xu, Y., Bao, H., Zhang, W., & Zhang, S. (2021). Which financial earmarking policy is more effective in promoting FinTech innovation and regulation? *Industrial Management & Data Systems*, 121(10), 2181-2206. <https://doi.org/10.1108/IMDS-11-2020-0656>